

یادداشت

ترس نفت از جنگ ریخت؟

مهدی عرب‌صادق

تحلیلگردیلماسی انرژی وژئوپلیتیک

اگر کسی چند روز پیش، در اوج التهاب حمله به فجیره و افزایش هم‌زمان نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس، می‌گفت که نفت برنت تا پایان هفته اول ماه می نزدیک به ۱۸ دلار سقوط خواهد کرد، احتمالا حرفش را به حساب خوش‌بینی ساده‌لوحانه می‌گذاشتید. درست در روزی که شاخص برنت با عبور از ۱۲۶ دلار، بالاترین قیمت خود را از زمان آغاز این جنگ ثبت کرد و معامله‌گران در سنگاپور و لندن خود را برای سناریوی ۱۴۰ دلاری آماده می‌کردند؛ فروش بی‌سابقه ذخایر استراتژیک آمریکا با سرعتی نزدیک به ۳.۵ میلیون بشکه در روز داشت آخرین برگ‌های بازی کاخ سفید را می‌سوزاند و ذخایر بنزین آمریکا نیز به پایین‌ترین سطح خود از سال ۲۰۱۴ رسیده بود. اما حالا، در ششمین روز ماه می، برنت در کانال ۱۰۸ دلار قرار گرفته و دیروز برای دومین روز متوالی بازم به ریخت. خوب چه اتفاقی افتاده؟ چرا بزرگ‌ترین شوک عرضه تاریخ معاصر به‌قول تحلیلگران گلدمن ساکس روزانه ۱۴.۵ میلیون بشکه نفت را از بازار جهانی حذف کرده. حالا دیگر نمی‌تواند قیمت‌ها را بالا نگه دارد؟ «بازگشت ریسک از بشکه جنگ» است، فرایندی که در آن بازار نفت، «ایه‌لایه، آن «صرف ترس» را که از ۲۸ فوریه به بعد وارد قیمت‌ها کرده بود، از بدنه شاخص‌ها جدا می‌کند و پشت سر می‌گذارد. این روکنش سه لایه اصلی داشت که اکنون هر سه در حال ترک‌خوردن هستند.

لایه اول، «روایت اختلال دائمی عرضه» بود. این روایت از نخستین روزهای جنگ در سرتیتر گزارش‌های مالی نشست: «تنگ هرمز بسته شده و باز نخواهد شد». قیمت‌ها براساس این مفروض تلویحی ساخته شدند که ۱۲ تا ۱۴ میلیون بشکه نفت خلیج فارس تا آینده قابل پیش‌بینی از بازار خارج شده است اما واقعیت متفاوت بود؟ درست در سووم می، اوپک‌پلاس اعلام کرد که هفت تولیدکننده اصلی این گروه تولید خود را برای ماه ژوئن ۱۸۸ هزار بشکه دیگر افزایش خواهند داد. این «حرکتی نمادین» بود و به قول روتنر «این افزایش مثل آوردن سطل آب برای سیلاب است»، اما معنای نمادین آن برای بازار بزرگ‌تر از عدد ۱۸۸ هزار بشکه بود: اوپک‌پلاس با این تصمیم به بازار گفت که «اختلال عرضه» را، برخلاف روایت ترس «موقتی» می‌بیند و حاضر است برای مهار قیمت‌ها وارد عمل شود، نه اینکه کنار بنشیند و تماشا کند.

هم‌زمان، در آمریکا، واقعیت دیگری در حال آشکارشدن بود. بنا بر آمار منتشرشده، ذخایر نفت خام آمریکا در هفته منتهی به اول و ۸.۱ میلیون بشکه کاهش یافت. ذخایر بنزین ۶.۱ میلیون بشکه آب رفت و ذخایر میعانات ۴.۶ میلیون بشکه. این اعداد را باید در کنار این واقعیت دید که ذخایر استراتژیک نفت آمریکا اکنون به ۳۹۸ میلیون بشکه رسیده و در پایین‌ترین سطح خود از نوامبر ۲۰۲۴ قرار دارد. بازار هفمید که این «سپر استراتژیک» دارد نازک می‌شود؛ این تناقض ظاهری ذخایر در حال سقوط و قیمت در حال کاهش در واقع یک پیام داشت: اگر قرار بود جنگ ادامه یابد، چرا باید ذخایر با این سرعت تخلیه شود؟ اگر قرار بود دیپلماسی شکست بخورد، چرا ترامپ باید «پروژه آزادی» را متوقف کند؟

اینجاست که به لایه دوم می‌رسیم: «روایت بن‌بست دیپلماتیک». از روزهای نخست جنگ، بخش بزرگی از صرف ریسک قیمت‌ها ناشی از این فرض بود اما دونالد ترامپ اعلام کرد که عملیات «پروژه آزادی» طرح بازکردن تنگه هرمز با اسکورت نظامی نفتکش‌ها به دلیل «بیشرفت عظیم» در مذاکرات صلح متوقف شده است. او گفت واشینگتن «در آستانه توافق کامل و نهایی با نمایندگان ایران» قرار دارد. این یک چرخش زبانی ساده نبود، یک سیگنال راهبردی بود که بازار آن را رمزگشایی کرد: اگر آمریکا حاضر شده عملیات حیثیتی خود در تنگه را متوقف کند، پس احتمال توافق واقعی بیش از آن چیزی است که تا دیروز تصور می‌شد. بازار سهام آمریکا این سیگنال را حتی زودتر از بازار نفت گرفته بود. شاخص S&P که در ۲۰ فور نخست جنگ پنج تریلیون دلار از ارزش خود را از دست داده بود، اکنون نه‌تنها آن افت را جبران کرده، بلکه سه تریلیون دلار بالاتر از سطح پیش از جنگ ایستاده است. این یعنی سرمایه‌گذاران آمریکایی همان‌ها که پول هوشمند را مدیریت می‌کنند، جنگ را «بحران دائمی» ندیده‌اند.

و اما لایه سوم که شاید مهم‌ترین باشد: «روایت تورم». وقتی نفت از ۶۹ دلار به ۱۲۶ دلار رسید، تحلیلگران وال‌استریت پیش‌بینی کردند که شاخص قیمت مصرف‌کننده در آمریکا از ۳.۳ درصد مارس به ۳.۷ درصد در آوریل جهش کند و حتی برخی سناریوهای چهاردرصدی را نیز مطرح کردند. فدرال‌رزرو در پاسخ، عملاً سیگنال داد که هرگونه کاهش نرخ بهره را تا آینده نامعلوم به تعویق انداخته و حتی برخی اعضای کمیته بازار آزاد فدرال، حالا با ترکیبی که گفته می‌شود تحت نفوذ کوین وارث (Kevin Warsh) است، احتمال افزایش نرخ بهره را نیز روی میز گذاشته‌اند. این یعنی سیاست پولی آمریکا درست در جهت مخالف رشد اقتصادی و تقاضای نفت تنظیم شده است. پول گران‌تر، یعنی اقتصاد کندتر، یعنی نفت کمتر خواست. به زبان ساده، فدرال‌رزرو ناخواسته به «هم‌پیمان نزولی» قیمت نفت تبدیل شده است.

این سووی ماجرا را هم نباید از نظر دور داشت که چین، بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان، پیش از جنگ حدود ۱.۳۹ میلیارد بشکه نفت در ذخایر تجاری و استراتژیک خود انباشته بود، معادل ۱۲۰ روز واردات خالص. این سپر عظیم به یکن اجازه داد که در دو ماه گذشته، بدون وحشت از کمبود، خریدهای خود را مدیریت کند و حتی با آرامش نسبی وارد مذاکرات میانجیگرانه میان ایران و آمریکا باشد. چین شنبه‌یک داد که «ضربه‌گیر» ذخایر، نه‌تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه یک سلاح ژئوپلیتیکی است. حال بیاید تمام این نخ‌ها را به هم گره بزنیم و ببینیم روایت جدید بازار چیست. معامله‌گران نفت امروز با سه واقعیت هم‌زمان روبه‌رو هستند: نخست، عرضه دارد آرام‌آرام از لای درزهای دیپلماسی بیرون می‌زنند. دوم، آمریکا دیگر ذخایر کافی برای بلوف‌زدن ندارد. سوم، فدرال‌رزرو با سیاست‌های ضدتورمی خود عملاً سقف قیمت نفت را پایین می‌آورد. این یعنی «داستان ۱۴۰ دلاری» که گلدمن‌ساکس روایت می‌کرد، هنوز روی کاغذ ممکن است، اما دیگر محتمل‌ترین سناریو نیست. بازار هفمیده که «احتمال صلح» طرف است، نه «قطعیّت جنگ» و بازار همیشه «احتمال» را در قیمت‌ها می‌ریزد، چه صعودی، چه نزولی.

منتقدان خواهند گفت این تحلیل زیادی خوش‌بینانه است. خواهند گفت آتش پس هنوز شکنده است، تنگه هرمز همچنان عملاً بسته است، نفتکش‌های ایرانی پشت گیت‌های چابهار و خارک منتظر ایستاده‌اند. پس این کاهش قیمت به معنای پایان بحران نیست، بلکه به معنای پایان «فاز اول» بحران است. فازی که در آن ترس محض، منطق بازار را از کار انداخته بود. اکنون بازار وارد فاز دوم می‌شود: فازی که در آن، قیمت‌ها بر اساس «سناریوهای قابل راستی‌آزمایی» تعیین می‌شوند، نه «سناریوهای آخرالزمانی». برای ایران، این تحول یک پیام راهبردی دارد: «وقت» در حال حاضر بزرگ‌ترین برگ برنده ماست. ترامپ ذخایر استراتژیکش را آب می‌کند. افکار عمومی آمریکا زیر بار تورم نان شب نمی‌برد. دیپلماسی دارد از زیر آوار لفاظی‌های جنگی سرک می‌کشد. ما نباید در دام تحلیل‌های هیجانی بیفیکم که هر کاهش قیمت نفت را «شکست» و هر افزایش آن را «پیروزی» می‌خوانند. نفت یک زبان است، یک دماسنج، یک میدان نبرد روایت‌ها و در این نبرد، آن‌کس برنده است که روایت خود را زودتر از رقیب بر قلب بازار حاکم کند.

کارشناسان انرژی با بررسی معادلات قیمت آتی نفت معتقدند فرصت طلایی مذاکرات با اهرم نفت هم اکنون است

پرده آخر بازار نفت

شرق؛ بازار نفت درحال حاضر با یک معادله چندوجهی مواجه است؛ معادله‌ای که می‌تواند قیمت جهانی نفت را در میان‌مدت به تعادل نسبی برساند و تأثیر اهرم نفت در مذاکرات ایران و آمریکا را کاهش دهد. کارشناسان انرژی با اشاره به شاخص‌های اثرگذار بر بازار نفت در میان‌مدت، تأکید می‌کنند که فرصت طلایی ایران برای بهره‌برداری از اهرم نفت در مذاکرات هم‌اکنون است و ایران نباید این فرصت را با تعلل بیشتر از دست بدهد.

بازیگران نفت در تکاپوی کاهش قیمت

سازمان اوپک در گزارشی اعلام کرده است که تولید نفت خام تمام اعضای اوپک‌پلاس در ماه مارس به‌طور میانگین ۳۵.۰۶ میلیون بشکه در روز بوده که ۷.۷ میلیون بشکه در روز کمتر از ماه فوریه است. از اعضای اوپک‌پلاس که شامل تولیدکنندگان بزرگ نفت اوپک و متحدان آن است؛ عربستان، عراق، کویت و عمان در حاشیه خلیج فارس قرار دارند و الجزایر، قرقاقستان و روسیه خارج از این محدوده قرار می‌گیرند. پیش از جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، روزانه چیزی حدود ۱۶ تا ۱۱ میلیون بشکه نفت از تنگه هرمز عبور می‌کرد و با انسداد تنگه هرمز و جنگ در خلیج فارس تولید نفت خام اوپک‌پلاس ۷.۷ میلیون بشکه نفت کاهش داشته است. حمید حسینی، دبیر اتحادیه فراورده‌های نفتی ایران، به «شرق» می‌گوید جنگ، صادرات نفت کشورهای منطقه را به صفر نرساند و عربستان و امارات تلاش کردند بخشی از نفت خود از طریق خط لوله‌های جایگزین صادر کنند. همچنین عراق تلاش کرد است که حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت خود را از شمال این کشور و از طریق سوریه صادر کند و عمان به دلیل موقعیت جغرافیایی امکان صادرات نفت خود را بدون محدودیت انسداد تنگه هرمز داشته است. ضمن اینکه ایران اعلام می‌کند که روزانه یک تا ۱.۵ میلیون بشکه صادرات نفت داشته است؛ بنابراین جنگ، روزانه چیزی حدود هفت تا هشت میلیون بشکه نفت را از بازار جهان کسر کرده است که این میزان کسری نفت با کاهش تولید کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همخوانی دارد؛ عددی که به آمار اوپک پلاس نزدیک است.

اگر بخواهیم روش‌های کوتاه‌مدت مهار قیمت، مانند تزریق ذخایر استراتژیک به بازار نفت را نادیده بگیریم، درحال حاضر تکاپوهایی برای مهار قیمت در میان‌مد رخ داده است.

صادرات نفت آمریکا صعودی شد

افزایش تولید نفت آمریکایی از این موارد است. در گزارشی از سی‌ان‌بی‌سی به شلونی‌بی‌بی‌سی‌اچ سابقه بندر کورپوس کریستی پرداخته شده که شاهد سیل نفتکش‌هایی است که از سراسر جهان به سواحل خلیج مکزیک در ایالات متحده آمریکا سرازیر شده‌اند تا نفت خود را کاهش قیمت را بازیگری کنند. براساس داده‌های مؤسسه کپلر، صادرات نفت ایالات متحده در ماه آوریل به ۵.۲ میلیون بشکه در روز افزایش داشته که رشدی بیش از ۳۰ درصدی در مقایسه با صادرات ۳.۹ میلیون بشکه‌ای در ماه فوریه و پیش از جنگ را نشان می‌دهد. آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان است و اکنون با تولید روزانه ۱۲.۹ میلیون بشکه نفت خام و انواع فراورده‌های نفتی، به رکوردی تاریخی دست پیدا کرده است.

گذشته از اینکه افزایش قیمت نفت درآمد آمریکا را افزایش داده است که رشد قیمت نفت به بالاتر از ۷۰ دلار، افزایش تولید نفت گران‌قیمت شیلر را توجیه می‌کند. پیشش از این روتنر به نقل از مدیران مؤسسه «انرژی اسپکت» نوشته بود که صنعت نفت آمریکا برای تحقق اهداف رشد تولید به افزایش قیمت‌های جهانی نفت و حفظ آن در سطوح ۷۰ دلار برآید هر بشکه نیاز دارد و کاهش قیمت نفت به کمتر از این محدوده قیمتی سبب توقف بخشی از تولید نفت در منطقه «پرمین» می‌شود.

امارات به دنبال احیای توان نفتی

افزایش صادرات نفت آمریکا به میزان ۱.۳ میلیون بشکه نفت در هم در کوتاه‌مدت در شرایطی رخ می‌دهد که چندی پیش امارات به صورت رسمی از سازمان اوپک خارج شد نتواند گره محدودیت تولید نفت را از دست‌وای خود بگشاید و به تولید روزانه پنج میلیون بشکه نفت دست پیدا کند. امارات روزانه بین ۳.۵ تا چهار میلیون بشکه نفت تولید می‌کند و این کشور تولید روزانه پنج میلیون بشکه نفت را تا سال ۲۰۲۷ در دستور کار خود گذاشته است. درحال‌حاضر صادرات نفت امارات بین ۲۰۱۲ تا ۳.۲ میلیون بشکه در روز است. گذشته از این امارات به دنبال توسعه خط لوله‌ای است که صادرات نفت این کشور را بدون نیاز به تنگه هرمز انجام می‌دهد. خط لوله حبشان-الفجیره که به‌عنوان خط لوله نفت خام ابوظبی (ADCOPI) نیز شناخته می‌شود، یک زیرساخت حیاتی در امارات متحده عربی است که به دلیل نقش آن در دوزدن تنگه هرمز، از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است. طول این لوله ۳۶۰ کیلومتر و به قطر ۴۸ اینچ (هزارو ۲۲۰ میلی‌متر) با ظرفیت ۱.۵ میلیون بشکه در روز (قابل افزایش تا ۱.۸ میلیون بشکه در روز) است که از سال ۲۰۱۲ میلادی با هزینه ساخت ۴.۲ میلیارد دلار عملیاتی شده است.

در پی تشدید تنش‌های سال ۲۰۲۶ و منع تردد نفتکش‌ها از تنگه هرمز، اهمیت این خط لوله بیش‌ازپیش نمایان شده است. گزارش‌ها حاکی از آن است که این خط لوله درحال حاضر با حداکثر ظرفیت اسمی خود یعنی ۱.۵ میلیون بشکه در روز کار نمی‌کند و هنوز ظرفیت مازادی برای افزایش صادرات وجود دارد. با این حال، تهدید حولات به زیرساخت‌های انرژی در منطقه همچنان یک چالش جدی برای تداوم فعالیت آن محسوب می‌شود. هرچند شرکت بهره‌بردار آن، ADNOC، اعلام کرده برنامه‌ها گسترده‌ای برای افزایش ظرفیت صادرات نفت از مسیر فجیره دارد. جدیدترین پروژه در این راستا، خط لوله غرب به شرق (West-East Pipeline) نام دارد که قرار است با سرمایه‌گذاری ۴.۸ میلیارد دلاری ساخته شود وهدف آن پروژه جدید افزایش ۱.۵ میلیون بشکه‌ای در روز به ظرفیت انتقال نفت از حبشان به فجیره است. این خط لوله جدید به طول ۵۰۰ کیلومتر، پایانه‌های جبل الظنه (Jebel Dhanna) در غرب ابوظبی را از طریق حبشان به فجیره متصل خواهد کرد. طبق پیش‌بینی‌ها، این پروژه احتمالاً تا سال ۲۰۲۷ به بهره‌برداری برسد و عملاً ظرفیت فعلی خط لوله (ADCOPI) را دو برابر کند.

کارشناسان انرژی با بررسی معادلات قیمت آتی نفت معتقدند فرصت طلایی مذاکرات با اهرم نفت هم اکنون است



عکس از زمین‌سین خوردهای ایستا

در این میان سایر تولیدکنندگان بزرگ نفت مانند روسیه و عربستان چگونگی با کمبود عرضه در بازار نفت مواجه می‌شوند؟

روسیه سر دوراهی نفتی

در همین زمینه حمید حسینی، دبیر اتحادیه فراورده‌های نفتی به «شرق» می‌گوید که تداوم جنگ در خلیج فارس مسائل بازار نفت را قدری پیچیده می‌کند؛ اول اینکه روسیه بزرگ‌ترین ذی‌نفع بازار نفت از جنگ خلیج فارس بوده چراکه هم توانسته است نفت خود را با قیمت بالا بفروشد و هم از تحریم معاف شود و هم مشتریان جدید مانند ژاپن پیدا کند. بنابراین مشخص نیست که روسیه در این بازار چه واکنشی نشان بدهد و آیا تولید نفت خود را به سبب مشتریان جدید افزایش بدهد، یا نه به‌دنبال افزایش درآمد ناشی از قیمت‌های بالای نفت باشد؛ او ادامه می‌دهد: عربستان هم در وضعیت مشابه روسیه قرار دارد و در حال حاضر از قیمت‌های بالای نفت منتفع شده است. در حالی که قبل از جنگ قیمت نفت به میانه کانال ۶۰ دلار سقوط کرده و درآمدهای نفتی این کشور را کاهش داده بود. به جز این‌عراق به عنوان تولیدکننده شریک و متحد استراتژیک ایران شناخته می‌شود و چین به عنوان مصرف‌کننده نفت. چنین جایگاهی برای ایران دارد. با این تفاسیر باید پرسید که مسئله عبور نفتکش‌های چینی و عراقی از تنگه هرمز چه شرایطی پیدا می‌کند؟

رضا پدیدار، دیگر کارشناس انرژی، معادلات دیگری در بازار نفت جهان مطرح کرده و می‌گوید بازار نفت در زمان جنگ وضعیت هیجانی را تجربه کرد و مشتریان نفت به دلیل ترس از تداوم اختلال در بازار، شروع به خرید هیجانی و مازاد بر نیاز نفت کردند تا ذخایر استراتژیک خود را بهبود بدهند؛ مشتریان بزرگ مانند چین، هند و اندونزی از این دسته مشتریان هستند. بنابراین قیمت‌های نفت به صورت هیجانی افزایش داشت اما مشخص نیست که این وضعیت تقاضا در ادامه تداوم داشته باشد. او ادامه می‌دهد: بازار نفت پیش از جنگ با کاهش تقاضا مواجه بود، چراکه میزان مصرف سوخت‌های فسیلی در جهان رو به کاهش است و با افزایش بهره‌وری، میزان مصرف انرژی جهان کاهش می‌یابد. به عنوان مثال گزارش مؤسسه مکنزی حاکی از آن است که میزان مصرف برق وسایل برقی که از سال ۲۰۲۰ به بعد ساخته شده‌اند، حدود نصف نمونه‌های مشابه قدیمی‌تر است. همین گزارش حاکی از آن است که مصرف انرژی تا سال ۲۰۵۰ حدود ۴۰ درصد کاهش خواهد داشت و هم‌زمان با این مسئله توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به سرعت تقاضا را برای انرژی‌های فسیلی کاهش می‌کند. بنابراین چشم‌انداز قیمت نفت در بازار جهانی کاهش تقاضا و کاهش قیمت است و همین مسئله در صورت رفع تقاضای هیجانی بر قیمت‌ها اثر می‌گذارد. این کارشناس تأکید می‌کند که افزایش تولید نفت هم می‌تواند روال کاهش قیمت نفت را سرعت بدهد و به ازای هر یک درصد افزایش تولید نفت دو درصد قیمت کاهش پیدا می‌کند. گذشته از این، کارشناسان بازار نفت به سوئدجویی برخی شرکت‌های نفتی جهان و تلاش برای قیمت‌سازی اشاره می‌کنند و می‌گویند بسیاری از قیمت‌های اعلام‌شده در چشم‌انداز آینده بازار جهان از سوی این شرکت‌ها و تلاش برای سوئدجویی از وضعیت جنگی در بازار است. آنها همچنین تأکید می‌کنند که با در نظر گرفتن معادلات قیمت نفت می‌تواند در میان‌مدت کاهش می‌شود. حمید حسینی به «شرق» می‌گوید بهای نفت در میان‌مدت می‌تواند به ۸۰ تا ۹۰ دلار به ازای هر بشکه برسد و دولت اگر می‌خواهد از اهرم نفت و تنگه هرمز در مذاکرات استفاده کند، بهترین زمان، آن زمان فعلی است.

آگهی دعوت به مجمع صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بورسیران

از کلیه دارندگان واحدهای ممتاز، وکیل یا قائم مقام قانونی آن‌ها دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع این صندوق که در ساعت ۱۱:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ در محل تهران، میدان آرژانتین، خیابان الوند، کوچه سی و یکم، پلاک ۱۹، واحد ۱ برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه مجمع به شرح ذیل می‌باشد:
۱- استماع گزارش مدیر صندوق رایج به وضعیت و عملکرد صندوق طی سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹-
۲- استماع گزارش حسابرس رایج به صورت‌های مالی و گزارش عملکرد سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹-
۳- تصمصم‌گیری در خصوص تصویب صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹-
۴- انتخاب حسابرس مستقل صندوق برای سال مالی منتهی به ۱۴۰۴/۰۵/۱۲-
۵- تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ها سایر مواردی که اخذ تصمیم در مورد آن‌ها در صلاحیت مجمع صندوق است.

دعوت‌کننده: مدیر صندوق سرمایه‌گذاری مشترک بورسیران (شرکت سیدگردان سورین)

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

یادداشت

رکوردشکنی صادرات نفت آمریکا و چند نکته



آیزاک سعیدیان

اقتصاددان

درحالی‌که بخش درخورتوجهی از اقتصاد جهانی همچنان با دغدغه‌هایی مانند نااطمینانی در عرضه انرژی، نوسانات قیمتی و چالش‌های ژئوپلیتیکی در مسیرهای انتقال مواجه است، ایالات متحده در حال تثبیت موقعیت خود به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌ترین بازیگران بازار انرژی است. جدیدترین داده‌ها نشان می‌دهد مجموع صادرات انرژی این کشور –شامل نفت خام و انواع فراورده‌های نفتی– به حدود ۱۲.۹ میلیون بشکه در روز رسیده؛ رقمی که یک رکورد تاریخی برای آمریکا محسوب می‌شود. از این میزان، حدود ۵.۴ تا ۵.۵ میلیون بشکه به صادرات نفت خام اختصاص دارد و در مقابل، ۷.۳ تا ۷.۵ میلیون بشکه مربوط به فراورده‌هایی مانند بنزین، گازوئیل، سوخت جت و خوراک‌های پتروشیمی است. در نقطه مقابل، آمریکا روزانه بین شش تا ۶.۵ میلیون بشکه نفت خام وارد می‌کند؛ عمدتاً از کانادا، مکزیک و دیگر تولیدکنندگان نفت سنگین در آمریکای لاتین. این الگوی به‌ظاهر متناقض، درواقع بازتاب یک طراحی دقیق در ساختار انرژی این کشور است؛ جایی که پالایشگاه‌ها عمدتاً برای نفت‌های سنگین داخلی بر پایه نفت سبک شیل است. این شکاف میان نوع تولید و ظرفیت پالایشی، به فرصتی استراتژیک تبدیل شده است. آمریکا با صادرات نفت سبک و واردات نفت سنگین، نه‌تنها توازن داخلی خود را حفظ می‌کند، بلکه از طریق تبدیل نفت وارداتی به فراورده‌های با ارزش افزوده بالاتر، سودآوری بیشتری در زنجیره انرژی کسب می‌کند. این همان نقطه‌ای است که آمریکا را از یک «صادرکننده سنتنی» به یک «مدیر زنجیره ارزش انرژی» ارتقا داده است.

پیام این تحول برای دیگر کشورهای نفتی روشن است: در نظم جدید بازار انرژی، مزیت رقابتی صرفاً به میزان ذخایر زیرزمینی وابسته نیست. عواملی مانند زیرساخت‌های صادراتی، انعطاف‌پذیری پالایشی، دسترسی به نظام مالی بین‌المللی، ثبات سیاست‌گذاری و توانایی حفظ سهم بازار، تعیین‌کننده جایگاه کشورها خواهند بود. در چنین بازاری، هر بنسکه‌ای که از سووی یک تولیدکننده عرضه نشود، به‌سرعت از سووی بازیگری دیگر جایگزین خواهد شد. در جمع‌بندی می‌توان گفت بازار جهانی نفت در حال گذار به مرحله‌ای است که در آن «هوشمندی در مدیریت» جایگزین «مفوق منابع» شده است. تجربه آمریکا نشان می‌دهد که برنده نهایی، کشوری است که بتواند از کل زنجیره ارزش انرژی –از تولید تا پالایش و صادرات– به صورت یکپارچه و هدفمند بهره‌برداری کند.

برگ سبز سند مالکیت خودرو پژو ۲۰۶ رنگ سفید به نام خانم معصومه خالقی هنده خالها
شماره موتور: ۱۳۵۹۰۰۱۶۹۱
و شماره شاسی : NAAP۲۳FGYBJ۱۶۷۷۰
با شماره پلاک ۱۹۹ ایران ۹۴۱ ۱۲ مفقودشده
واز درجه اعتبار ساقط می باشند.

برگه سبز موتورسیکلت بوکسرBM150
به رنگ مشکی مدل ۱۳۹۵ ا به شماره تنه
150R9524366 N5p* و شماره موتور**
PFMBFE19622 و پلاک ۱۲۹-۹۹۴۸۸ بنام
سعید احمدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگه سبز موتورسیکلت را ایکاCC1۲۵ به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۶ به شماره تنه 125C86۱321۱NB۱*** و شماره موتور ۲۹۶۳۰۴۷ و شماره پلاک ۱۲۱-۶۷۵۹۸-۶۷ **بنام محسن یوسف مومجی**
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شرق
روزانه